

## بررسی مفهوم ذنب باتوجه به حجیت اصل لغوی در آیه ۲ سوره فتح

هاجر عدالت پیشه<sup>۱</sup>، دکتر سالاری

دانشگاه یاسوج ، h.edalatpish93@gmail.com

دانشگاه فرهنگیان، salari.m22@gmail.com

### چکیده

یکی از اعجازهای قرآن کریم اعجاز در الفاظ آن است، به گونه ای که هیچ ادیب و عربی نتوانسته است مانند آن ها بیاورد. ذنب یکی از الفاظی است که در قرآن بسیار به کار رفته است و در عرف مسلمانان معنای گناه از آن برداشت می شود. این مقاله در پی شناخت و کاربرد معنای اصلی واژه ذنب و مغفرت در آیه ۲ سوره فتح می باشد. داده های تحقیق در این پژوهش با کمک گرفتن از تفاسیر مختلف و کتاب های لغوی است. این مقاله به روش کتابخانه ای توصیفی - تحلیلی است. اصل مفهوم ذنب به معنای آثار دانسته شد که بعداً در مفاهیم دیگری همچون گناه به کار برده شده است.

### واژه های کلیدی

ذنب، گناه، اصل لغوی، حجیت

### مقدمه

براساس برهان عقل پیامبران از اول تا آخر عمر معصوم می باشند یعنی گناه صغیره و کبیره و خطا و سهو و نسیان از ایشان صادر نمی شود، زیرا حصول غرض الهی از بعثت انبیاء موقوف به عصمت ایشان است، پس عصمت انبیاء واجب است.

در آیه ۲ سوره فتح خداوند می فرماید: ما این فتح را نصیب تو کردیم تا گناهت بخشیده شود، چه ربطی بین فتح و پیروزی بر مشرکین مکه و مغفرت گناه پیامبر است؟ آیا این که خداوند فتح و پیروزی را نصیب پیامبر اکرم کند می تواند علت و سبب آمرزش گناه او باشد؟ این چه گناهی است که فتح و پیروزی موجب مغفرت آن است؟

بحث پیرامون گناه حضرت محمد (ص) است، چنانچه این گناهان را حمل بر گناهان صغیره شود و گفته شود که گناه صغیره عقابش ساقط خواهد شد، حرف باطلی خواهد بود به دلیل آنکه اگر گناهان صغیره عقابش ساقط باشد دیگر جرمی باقی نمی ماند، آن گاه برای خداوند چگونه جایز است که بر پیامبرش منت گذارد که آن گناهان را برایش خواهد بخشید، منت گذاردن و تفضل از جانب خداوند در مورد گناهی باید باشد که دارای کیفر است نه در باره گناهی که اگر خداوند در آن مورد عقاب کند بقول آنان ظالم خواهد بود. نکته دیگر اینکه چگونه یک فرد گنهکار می تواند این نقش را ایفا کند به علاوه او خود نیاز به رهبر و راهنمای دیگری دارد تا هدایتش نماید با توجه به اینکه فتح، به عنوان علت و سبب مغفرت گناه پیامبر بیان شده است

باید به معنای اصلی واژه ذنب و مغفرت رجوع کرد تا به پاسخ این سوال برسیم که منظور از ذنب گناه به معنای معروف نیست بلکه به معنای آثار یک چیز است

پیامبر اسلام قبل از هجرت، علیه کفر و بت پرستی قیام نمود و مردم را به دین اسلام دعوت کرد. آن حضرت بعد از هجرت، با کفار و مشرکان جنگ کرد. کفار و مشرکان مکه اگر در این دوره بر قدرت قبلی خود باقی می ماندند، هیچ گاه از جنگ با پیامبر چشم پوشی نمی کردند، زیرا سبب کشته شدن افراد و دلاوران آنها و منهدم شدن عقیده ی کفر و بت پرستی شده بود، و تا انتقام نمی گرفتند و پیامبر را از بین نمی بردند، آتش درونی آنها فروکش نمی کرد؛ ولی با فتح (حذیبیه) که منجر به آزادسازی مکه از دست مشرکان شد، شوکت و ابهت آنان از بین رفت و آتش انتقام آن ها خاموش شد. در نتیجه کارهای پیامبر - قبل و بعد از هجرت که از نگاه مشرکان گناه شمرده می شد، پوشیده شد.

### پیشینه بحث

یکی از مباحث کلامی در مسئله اعجاز قرآن که در قرن ۴ میان مسلمانان به چشم میخورد، بحث توقیفی یا اصطلاحی بودن کلام عربی است. از جمله کسانی که در این باره به اختلاف پرداختند استاد لغت ابن فارس و ابن جنی بودند؛ بدین بیان که ابن فارس باتوجه به استناد به آیه ی «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» [۱] و بر طبق دیدگاه ابن عباس که فرمودند: به یقین خداوند همه ی اسمها را به ما یاد دادند... " معتقد به توقیفی بودن لغت بود. در مقابل ابن جنی در کتاب الخصائص بعد از ذکر تعدادی از آراء تحت باب الهام یا اصطلاحی بودن اصل لغوی، وضعی و اصطلاحی بودن آن را بیان می دارد. [۲]

مقائیس ابن فارس کتاب لغت نامه ای به ترتیب حروف الفبا است و متشکل از دو طرح ابتکاری از اصول فقه الغه می باشد که نقطه ضعف لغت نامه های پیشین است. در طرح ابتکاری اصول (اصل لغوی) و نحت (اشتقاق کبیر) ابن فارس تلاش کرده است تا با استفاده از اصول، مفردات یک ماده ی زبانی را ذیل عنوان یک یا دو اصل بیاورد مثل ظ، فاء، راء: دو اصل صحیح؛ ۱. قهر و غلبه: ظَفَر (پیروزی) ۲. قوت و نیروی یک چیز: ظَفَر (ناخن انسان) است، شاید این دو اصل در قیاس به هم نزدیک باشند. [۳] اما اولین نامگذاری «قاعده اشتقاق